

..روشنفکر یک فرد نیست یک حزب هم نیست به طبقه ای هم وابسته نیست

پایگاه طبقاتی خاصی هم ندارد، روشنفکر به منافع شخصی و گروهی و یا به فکر منافع یک طبقه یا قشر خاصی نیست حتی از منافع شخصی خود هم چشم پوشی میکند تا درد و نفع کل جامعه را بیان کند

روشنفکر مطلقا چیزی برای خودش نمیخواهد حتی به خاطر ملت، خودش را فدا میکند. برخلاف تمامی افراد که به منافع شخصی و گروهی و طبقاتی فکر میکنند روشنفکر طبقه ای ندارد که به فکر تامین منافع آنها باشد چنانچه کارل مانهایم هم اشاره میکند تمامی شناخت ها به ساختارهای اجتماعی وابسته هستند لذا منافع طبقات و گروه های اجتماعی است که نحوه اندیشیدن آنها را تعیین میکند بنابراین کشیش ها و روحانیت شبیه هم فکر میکنند نظامیان شبیه هم و پزشکان هم شبیه هم و همه اینها به فکر طبقه و گروه خود هستنند نه به فکر ملت، تنها روشنفکران واقعی هستند که وابسته به شرایط و ساختار های اجتماعی و سیاسی نیستند و مشکل مردم را مشکل خود میدانند و برای آن مبارزه میکنند. کارل مانهایم روشنفکران را افرادی بی طبقه میداند که اندیشه آنها مطلقا تحت تاثیر منافع طبقاتی نیست. البته این بحث در مورد جوامع جهان سوم و بخصوص در مورد قشر روشنفکر جامعه ایران زیاد صدق نمیکند چون اکثرا در این جوامع قشر روشنفکر درک ناقصی از موضوعات دارند و به خاطر همین هم به یک جناح و طبقه ای وابسته هستند پس در مورد مشکلات واقعی کل جامعه هم نمیتوانند دقیقا افشاگری کنند نهایتا درگیر منافع سیاسی گروهی شده و تاثیرگذاری و نقش اصلی خود را از دست میدهند.

((دکتر عبداللهی))

@drkarimabdollahi